

تبیین علی رضایت از نقش مادری: نقش خودکارآمدی مادری و

راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان

بنفشه امیدوار*^۱ و شیدا لیراویانی نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۳۰ صص ۱۶-۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۰

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین علی رضایت از نقش مادری بر مبنای خودکارآمدی مادری و راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان انجام شد. روش پژوهش، توصیفی از نوع هبستگی که با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه‌ی آماری شامل مادران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۲۳۳ نفر انتخاب گردید. ابزارهای سنجش شامل پرسش‌نامه خودکارآمدی والدگری، پرسش‌نامه احساس صلاحیت مادری و پرسش‌نامه نظم جویی شناختی هیجان بودند. روایی و پایایی ابزارهای این پژوهش مطلوب ارزیابی شد. نتایج نشان داد که خودکارآمدی والدگری، اثر مستقیم معناداری هم بر احساس صلاحیت مادری و هم بر نظم جویی شناختی هیجان دارد. همچنین نظم جویی شناختی هیجان نیز اثر مستقیم معناداری بر احساس صلاحیت مادری دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نظم جویی شناختی هیجان در ارتباط بین خودکارآمدی والدگری و احساس صلاحیت مادری نقش واسطه‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی والدینی، صلاحیت مادری، نظم جویی شناختی هیجان، مادر.

^۱ دکتری مشاوره خانواده. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

مقدمه

از تجلیات ارزشمند زن، نقش مادری است. مادری و زنانگی دو مفهومی است که میان آنها رابطه‌ی پیچیده‌ای وجود دارد. هرچند برای نقش مادری ارزش‌گذاری زیادی می‌شود و از زنان، انتظار می‌رود نقش مادری را بپذیرند، عملکرد واقعی این نقش هنوز مشخص نیست (Hamdani, Nemat & Khodabaksh, 2011). مادر شدن یک فرآیند پویا، قابل یادگیری، استرس‌زا، فاقد هرگونه دستورالعمل و وابسته به فرهنگ و اجتماع می‌باشد. دستیابی به نقش مادری نیز به دانش، مهارت و انگیزش نیاز دارد. فقدان دانش، توانایی یا انگیزش منجر به ایجاد نقص در قابلیت‌های مادر شدن و برای وی ایجاد استرس و نگرانی می‌کند (Azmodeh, Jafarnejad & Mazlom, 2014). مادر شدن به پذیرش تغییرات اساسی در عملکردهای شناختی، احساسی، اجتماعی و رفتاری منجر می‌شود. این تغییر روان‌شناختی می‌تواند تحت تأثیر شرایط خاص زن، اعتقادات و نگرش‌های او، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، آمادگی و دانش او و همچنین شرایط اجتماعی و روانی وی قرار گیرد و هرچه فرد در این خصوص تکامل یافته‌تر باشد، عملکرد انطباقی بهتری خواهد داشت. انطباق با نقش مادری شامل مفهوم‌سازی و برقراری نقش مسئولانه مادری است که با ایجاد هویتی جدید و شکل‌گیری رفتارهای مادرانه شناخته می‌شود. مادرانی که نتوانند انطباق مناسبی با نقش خود داشته باشند، عملکرد آنان در نقش مادری خصوصاً در وابستگی مادر به کودک افزایش می‌یابد. درواقع مادر زمانی می‌تواند از نوزادش مراقبت کند که نقش مادری‌اش را پذیرفته باشد (Bailey, 2010).

تصورات زنان از نقش مادری خود باید در جریان تجربه‌های روزمره‌ی آنها بررسی شود؛ هرچند احساس مادری به شیوه‌های گوناگون به وجود می‌آید. اصطلاح «مادری رضایت بخش»^۱ که از ابداعات Vinicott (1965) است، بیانگر میزان مطالعه‌ی وی در موضوع مادری است. وینی‌کات مطالعات خود را بر تعامل کودک با محیط متمرکز کرد و رشد هیجانی کودک خردسال را قالب روابط کودک با مادر تعبیر نمود. به باور وی، اگر محیطی که در آغاز، خود مادر است رضایت بخش باشد، فرصت حرکت از آمیختگی با مادر به سوی نوعی وضعیت مستقل و قادر به برقراری روابط موضوعی را فراهم می‌آورد (Saragi, Monirpour, Ahmadi & Hasanabadi, 2015).

(Márk, Miklósi & Szabó, 2015) اجزای اصلی نقش مادری شامل دل‌بستگی به نوزاد از طریق شناسایی نقش، تعامل با نوزاد، به دست آوردن شایستگی در رفتارهای مادری، بیان احساس لذت در تعاملات مادر-نوزاد است می‌داند. احساس شایستگی در نقش مادری بر کیفیت مراقبت از نوزاد و تعامل مادری و نوزادی اثر دارد. (Márk et al, 2015) در مطالعه‌ی خود شایستگی نقش

^۱ . Satisfied motherland

مادری را انعکاسی از باور مادر در توانایی انجام مؤثر نقش مادری بیان کرد. شایستگی نقش مادری زمانی توسعه پیدا می‌کند که مادران دانش و مهارت مراقبت از نوزاد را که برای نقش مادری لازم است، دارا باشند و زنانی که شایستگی در نقش مادری دارند، با وظایف مراقبتی نوزاد و تفسیر رفتارهای نوزادانشان احساس راحتی می‌کنند که این مسأله، دستیابی به هویت مادری را تسهیل می‌کند (Ngai & Chan, 2013). والدین، به ویژه مادران بایستی به طور دایم خود را با نیازهای متغیر کودک هماهنگ کنند. بنابراین ممکن است در مدیریت رفتارهای کودکشان با مشکلاتی مواجه شوند. همین امر موجب می‌شود که والدین نسبت به صلاحیت و توانایی‌هایی خود در نقش والدگری تردید داشته و به این نتیجه برسند که خودکارآمدی لازم در کنترل و مدیریت رفتارهای کودک را ندارند (Coleman & Karraker, 2010).

در پیشینه‌ی نظری و پژوهشی موجود، مدلی که بیشترین قرابت را با رضایت از نقش مادری دارد، خودکارآمدی والدینی است (Márk et al, 2015؛ Szabó, Martos, Galambosi & Miklósi, 2013). Forinto, 2013). خودکارآمدی والدینی یک ساختار شناختی مهم در ارتباط با عملکرد والدین است و به ارزیابی والدین نسبت به توانایی شان در ایفای نقش خود به عنوان مادر یا پدر گفته می‌شود (Kuhn & Carter, 2006). احساس خودکارآمدی نیازمند دانش و اطلاعات در زمینه‌ی روش‌های مؤثر مراقبت از کودک و تعامل و برقراری ارتباط با اوست (Sarabi Jamab, HassanAbadi, 2011). Mashhadi, and Asgharinekah, 2011). خودکارآمدی والدینی به انتظارات و ادراک والدین از این-که تا چه حد می‌توانند به عنوان یک والد به گونه‌ای شایسته و مؤثر عمل کنند نیز اشاره دارد (Weaver, Shaw, Dishion & Melvin, 2008). سطوح پایین خودکارآمدی والدینی اغلب منجر به پافشاری ضعیف، افسردگی و کاهش رضایت در نقش والدگری می‌شود (Guimond, Wilcox & Lamorey, 2010). مادران نیاز دارند که بتوانند مستقلانه مشکلات والدگری خود را حل نمایند. آن‌ها باید بتوانند بر قضاوت خود اعتماد کنند. بنابراین کمتر بر دیگران متکی باشند (Sadat Mohajeri, Pouretamad, Shokri & Koshabi, 2013). پژوهش‌ها به طور جدی نشان داده‌اند که خودکارآمدی والدینی به طور معکوس با مشکلات رفتاری کودکان ارتباط دارند (Frank, 2010؛ Sarabi Jamab and et al, 2011). سطوح پایین‌تر خودکارآمدی والدین باعث می‌شود که آن‌ها گرایش بیشتری به استفاده از شیوه‌های منفی والدگری داشته باشند و میزان کمتری از برنامه‌های درمانی و خدمات ارائه شده برای کودکانشان بهره ببرند و در تصمیم‌گیری درباره‌ی مناسب‌ترین راهبردهای درمانی برای کودک شکست بخورند. این امر تأثیرات منفی بر رشد کودک گذاشته و رفتارهای مخرب بیشتری را منجر می‌شود (Houghton, Godwin, Neck & Manz, 2012). باورهای خودکارآمدی، اثر وسیعی بر فرآیندهای شناختی، هیجانی، و انگیزشی دارند

(Dimopoulou, 2012). خودکارآمدی والدینی به طور معناداری پیشگویی کننده‌ی میزان بالای اشتیاق، سازگاری، پذیرش و اظهار صمیمیت نسبت به کودک است و همچنین با میزان پایین اجتناب و رفتارهای منفی نسبت به کودک همراه می‌باشد (Jones & Prinz, 2015). محققان معتقدند که یکی از سازه‌های مرتبط با خودکارآمدی والدین، توانایی آن‌ها در تنظیم هیجانات می‌باشد (Mostafavi, 2014). نظم جویی شناختی هیجان به توانایی فهم شناختی هیجانات، تعدیل تجربه‌ی هیجانی و ابراز هیجانات اشاره دارد (Fosca, 2010). برطبق مدل نظم جویی شناختی هیجان (Gross, 2007)، تنظیم هیجان شامل همه‌ی راهبردهای آگاهانه و غیرآگاهانه می‌شود که برای افزایش، حفظ و کاهش مؤلفه‌های هیجانی، رفتاری و شناختی یک پاسخ هیجانی به کار برده می‌شود. آموزش نظم جویی شناختی هیجان (Gratz & Gunderson, 2008) شامل کاهش و کنترل هیجانات منفی و نحوه‌ی استفاده‌ی مثبت از هیجانات است. نظم جویی شناختی هیجان از طریق شناخت به طور جدایی ناپذیری با زندگی انسان آمیخته است و او را یاری می‌کند تا مثلاً زمانی که با حوادث فشارزا یا تهدیدکننده روبرو شد، هیجان‌ها یا احساساتش را مدیریت یا تنظیم کند و روی آن‌ها تسلط داشته باشد و در هیجاناتش غرق نشود (Garnefski & Spinhoven, 2010).

(Ngai & Chan, 2013) بیان داشتند که زنانی که احساس صلاحیت بالاتری دارند، برای انجام وظایف مرتبط با نقش مادری پافشاری بیشتری کرده و از سرزنش خود اجتناب می‌کنند و به احساس کمال و رضایت بیشتری به نقش مادری نایل می‌شوند.

(Ribiczey, Miklosi & Szab, 2015) نشان دادند، خودسرزنی رابطه‌ی بین خودکارآمدی والدینی و رضایت از نقش والدینی را تنها زمانی تعدیل می‌کند که خودکارآمدی پایین باشد. در حالی که برنامه‌ریزی به عنوان یک تعدیل کننده‌ی معنادار و مستقل از سطوح خودکارآمدی شناخته شد. (Kordi, Fosongori, Asgaripour & Esmaeili, 2015) نشان دادند که برنامه‌ی آموزش نقش مادری بر شایستگی نقش مادری پس از زایمان در زنان نخست‌زا با بارداری بدون برنامه، نسبت به گروه گواه مؤثر بوده است. همچنین (Fadaei, 2015) نشان داد که بین تاب‌آوری و خودکارآمدی والدگری با ناگویی هیجانی رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد.

(Masoumi, Kashani nia & Sadat, 2015) در پژوهشی آزمایشی نشان دادند، نمره‌ی اعتماد به نفس و همچنین نمره‌ی آزمون هویت مادری زنان گروهی که تحت آموزش عملی نقش‌های مادری قرار گرفته بودند، در مقایسه با گروه کنترل نسبت به مرحله‌ی قبل از آموزش افزایش معنی‌دار داشته است. (Azmodeh & et al, 2014) در پژوهش خود تأثیر آموزش مبتنی بر خودکارآمدی بر احساس صلاحیت مادری زنان نخست‌زا در مراقبت از شیرخوار را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌-

ها نشان داد که میانگین نمره‌ی احساس صلاحیت مادری قبل از مداخله در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل، تفاوت معناداری داشت.

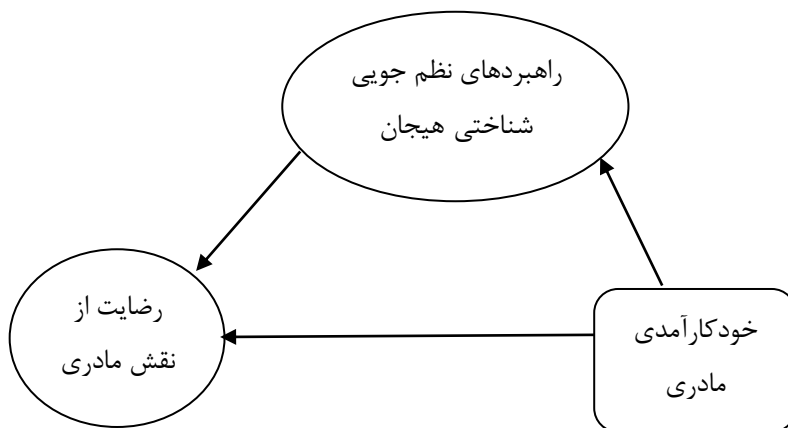
(Faramarsi Saberi, 2016) بیان داشتند که استفاده از راهبردهای مثبت نظم جویی شناختی هیجان از طریق شناخت و فرآیندهای شناختی به افراد کمک می‌کند تا هیجانانشان را در طول وقایع تهدیدآمیز و بعد از تجربه‌ی رویدادهای تنش‌زا مدیریت و تنظیم کنند و می‌تواند نقش مهمی در بهزیستی روان‌شناختی افراد ایفا کند. Heidari (2015) نیز نشان داد که نظم جویی شناختی هیجان، پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار خوش‌بینی و رضایت از زندگی در مادران سرپرست خانواده می‌باشد.

Mostafavi (2014) در پژوهشی درباره‌ی رابطه‌ی خودکارآمدی والدین با نظم جویی شناختی هیجان نشان داد که بین خودکارآمدی والدین با نظم جویی شناختی هیجان، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش Mirmohamadi (2014) درباره‌ی پیش‌بینی رضایت از نقش والدینی و خودپنداره‌ی مادر به‌وسیله‌ی نظم جویی شناختی هیجان نشان داد که تنظیم هیجانی پیش‌بینی‌کننده معنادار رضایت از نقش والدینی و خودپنداره در مادران می‌باشد.

Walter & Chang (2014) نیز نشان دادند که بین نظم جویی شناختی هیجان با سخت رویی و خودکارآمدی مادران، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. Miklosi and et al (2013) دریافتند زمانی که از راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان غیرانطباقی کمتر استفاده شود، میزان عقاید خودکارآمدی والدینی بیشتر خواهد بود. نتایج پژوهش Faraday & Club (2013) نیز نشان داد که رضایت از نقش مادری، رابطه‌ی مثبت و معناداری بر سازگاری زناشویی و خودکارآمدی والدین دارد.

با توجه به مطالب فوق، اگرچه مشخص شد که متغیرهای نیرومندی جهت تبیین رضایت از نقش مادری مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته‌اند، اما کوشش‌های کمی برای یکپارچه ساختن این دستاوردها در قالب یک مدل قابل‌فهم تبیینی انجام‌شده است، به‌نحوی که این خلاء از دید صاحب‌نظران نیز دور نمانده است (Lindenberg, 2006). بر این اساس، هدف کلی از انجام پژوهش حاضر، ارائه و آزمون مدل علی برای تبیین رضایت از نقش مادری است، به‌نحوی که از طریق آن بتوان تأثیر خودکارآمدی مادری و راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان را در تبیین رضایت از نقش مادری در فرهنگ ایرانی بررسی نمود. بر این اساس، پژوهش حاضر در چارچوب یک مدل علی، نقش خودکارآمدی مادری را در بروز رضایت از نقش مادری مادران ایرانی مورد بررسی قرار داد. همچنین راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان به‌عنوان متغیر واسطه‌ای در نظر گرفته‌شده و مورد بررسی قرار گرفت (شکل شماره‌ی ۱). بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که

آیا خودکارآمدی مادری با واسطه‌ی راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان می‌توانند پیش بینی کننده‌ی رضایت از نقش مادری در مادران باشد یا خیر؟



شکل شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی است که با استفاده از روش تحلیل مسیر، مورد تحلیل قرار گرفته است. بر اساس این طرح، خودکارآمدی مادری به عنوان متغیر برونزاد، راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان به عنوان متغیر واسطه‌ای و رضایت از نقش مادری به عنوان متغیر درونزاد در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که همه‌ی متغیرها به عنوان متغیر مکنون منظور گردیده‌اند. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را تمام مادران دارای فرزند مقطع ابتدایی شهر شیراز تشکیل می‌دادند. شرکت‌کنندگان در پژوهش، شامل ۲۲۳ نفر از مادران بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور، از هر یک از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز، دو مدرسه‌ی ابتدایی به صورت تصادفی (یک دخترانه و یک پسرانه) و سپس از هر مدرسه نیز یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و کلیه‌ی مادران دانش‌آموزان این کلاس‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند. لازم به ذکر است که در نمونه‌گیری خوشه‌ای از فرمول خاصی استفاده نمی‌شود و تمامی اعضای خوشه‌ها به عنوان گروه نمونه مورد ارزیابی قرار

می گیرند. از نظر توزیع سنی، آزمودنی‌ها با میانگین ۳۳ سال، در دامنه‌ی ۲۳ تا ۵۷ سال قرار داشتند.

ابزارهای پژوهش

به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از پرسش‌نامه‌ی خودکارآمدی والدگری، پرسش‌نامه‌ی احساس صلاحیت مادری و پرسش‌نامه‌ی نظم جویی شناختی هیجان استفاده گردید.

پرسش‌نامه‌ی خودکارآمدی والدگری. پرسش‌نامه‌ی خودکارآمدی والدگری توسط Domeka (1996) تهیه شده است. این پرسش‌نامه شامل ۱۰ سؤال است که ۵ عبارت مثبت و ۵ عبارت منفی را شامل می‌شود و پاسخ به این پرسش‌نامه طبق طیف لیکرت هفت درجه‌ای از ۱ (بندرت) تا ۷ (همیشه) امتیازبندی می‌شود. سؤالات این پرسش‌نامه هم برای پدر و هم برای مادر قابل استفاده بوده و هدف از طرح این پرسش‌نامه بررسی و ارزیابی میزان خودکارآمدی والدگری در پدر و مادر می‌باشد. هرچه نمره‌ی این مقیاس بالاتر باشد، نشان دهنده‌ی خودکارآمدی بیشتر است. پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ $0/79$ محاسبه شد (Skandari, Pouretamad, Habibi and Mazaheri, 2016). در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ $0/82$ محاسبه شد. همچنین به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه از روش همبستگی آیتم‌ها با نمره کل استفاده شد که برای تمام آیتم‌ها بین $0/38$ تا $0/69$ معنی‌دار و مطلوب بود. علاوه بر این روایی صوری این پرسش‌نامه نیز $0/70$ به‌دست آمد.

پرسش‌نامه‌ی احساس صلاحیت مادری. این پرسش‌نامه که توسط Gibord and Valeston (2000؛ Azmodeh and et al, 2014) ساخته شد، دارای ۱۶ پرسش با طیف لیکرت ۶ قسمتی و دارای دو خرده مقیاس می‌باشد: ۱- خرده مقیاس آگاهی-مهارت: به میزان احساس والدین از دارا بودن مهارت‌های لازم برای ایفای نقش مادری و درک خود به عنوان یک والد خوب؛ ۲- خرده مقیاس ارزش‌گذاری-راحتی: به میزان ارزشی که مادر به نقش مادری می‌دهد و راحتی که با نقشش دارد مربوط می‌شود. بازه‌ی نمرات این پرسش‌نامه از ۱۶ تا ۹۶ می‌باشد و نمره‌ی بیشتر بر احساس صلاحیت بیشتر دلالت دارد. در این پژوهش نیز پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ $0/82$ محاسبه شد و روایی محتوای پرسش‌نامه نیز $0/79$ برآورد شد.

پرسش‌نامه‌ی نظم جویی شناختی هیجان: در این پژوهش از فرم کوتاه ۱۸ سؤالی پرسش‌نامه نظم جویی شناختی هیجان (Garnefski & Kraaij, 2006) استفاده شد. این فرم نیز همانند فرم ۳۶ ایتمی شامل ۹ خرده مقیاس می‌باشد. هر خرده مقیاس نیز از ۲ آیتم تشکیل شده است. هر آیتم به چگونگی تفکر هر شخص بعد از تجربه‌ی یک رویداد تهدید آمیز یا استرس‌آمیز می‌

پردازد. CERQ برای اندازه‌گیری استراتژی‌های شناختی که سبک واکنش به رویدادهای استرس آمیز افراد را مشخص می‌کند، کاربرد دارد. هر آیتم براساس مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت که عبارت است از ۱ (اغلب/هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه/همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. هر چه نمره‌ی فرد در خرده مقیاس‌ها بیشتر باشد، نشان دهنده‌ی استفاده‌ی بیشتر از آن استراتژی شناختی می‌باشد. مشخصات روانسنجی CERQ در مطالعات خوب و مناسب گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ در بیشتر موارد بالای ۰/۷۰ بوده و حتی برخی مطالعات آلفای کرونباخ بالای ۰/۸۰ می‌باشد. همچنین نتایج نشان دهنده‌ی اعتبار سازه و اعتبار عاملی خوب و مناسب این پرسش‌نامه بود. نتایج پژوهش (Garnefski & Kraaij, 2006) نیز در بررسی همسانی درونی خرده مقیاس‌ها پرسش‌نامه-ی خوب گزارش شد (۰/۶۲ تا ۰/۸۵). نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی حمایت تجربی مستحکمی را برای آیت‌های تعیین شده در نسخه‌ی کوتاه CERQ فراهم آورد. در پژوهش حاضر نیز به منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب برای کل مقیاس و خرده مقیاس‌ها، بین ۰/۸۱ تا ۰/۶۸ مطلوب و رضایت بخش بود.

یافته‌ها

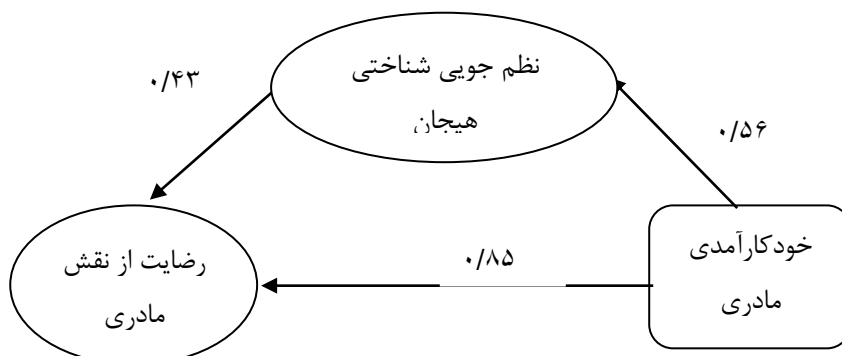
پیش از آزمون مدل پژوهش، ابتدا به منظور بررسی چگونگی رابطه‌ی متغیرهای پژوهش و اعتبار بخشیدن به تحلیل‌های بعدی، همبستگی صفر مرتبه‌ی آن‌ها محاسبه شده است که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	S.D	کالموگروف- اسمینروف	معنی داری	آزمون لوین	معنی داری	سطح
۲	۱						
۱. خودکارآمدی والدگری	۴۷/۵۷	۹/۲۱۸	۰/۷۶۵	۰/۶۰۲	۰/۹۱۰	۰/۳۴۳	---
۲. رضایت از نقش مادری	۶۳/۹۸	۸/۸۳۷	۱/۱۸۶	۰/۱۲۰	۰/۸۳۰	۰/۵۲۰	---

۰/۵۲	۰/۳۸	۰/۲۶۰	۰/۵۱۲	۰/۶۱۶	۰/۷۵۶	۸/۴۷۷	۵۴/۷۰	۳. نظم جویی شناختی هیجان
------	------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	--------------------------

آن چنان که گفته شد، به منظور آزمون مدل مفروض پژوهش، از روش معادلات ساختاری استفاده شد. البته پیش از آزمون مدل پژوهش، برای حصول اطمینان از این که داده‌های پژوهش مفروضه‌های زیر بنایی روش مدل یابی معادلات ساختاری را برآورده می‌نماید، پس از غربالگری داده‌های اولیه (شامل بررسی داده‌های از دست رفته و بررسی داده‌های پرت)، مفروضه اصلی مدل‌یابی معادلات ساختاری یعنی نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمینروف بررسی شد که نتایج بیانگر وجود شرایط مناسب داده‌های گردآوری شده بود (جدول ۱). همچنین نتایج آزمون لوین نیز بیانگر همسانی واریانس‌ها در متغیرهای پژوهش بود.



شکل شماره ۲- مدل ساختاری اصلاح شده با برآورد ضریب استاندارد

آن گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، خودکارآمدی مادری، اثر مستقیم و مثبت بر رضایت از نقش مادری دارد ($\beta=0/03$, $p=0/03$). همچنین، این متغیر، اثر مستقیم و مثبتی بر راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان نشان داده است ($\beta=0/01$, $p=0/01$). سایر نتایج مندرج در شکل ۲ نیز بیانگر آن است که راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان، اثر مستقیم معناداری بر رضایت از نقش مادری دارند ($\beta=0/001$, $p=0/001$). نتایج مربوط به بررسی اثرات غیرمستقیم معنادار به همراه اثرات مستقیم و اثرات کلی مدل پژوهش در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲- اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مدل پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم اثر استاندارد	اثر غیرمستقیم استاندارد	معنی داری
خودکارآمدی والدگری	رضایت از نقش مادری	۰/۸۵	-	<۰/۰۵
خودکارآمدی والدگری	راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان	۰/۵۶	-	<۰/۰۵
نظم جویی شناختی هیجان	رضایت از نقش مادری	۰/۴۳	-	<۰/۰۵
خودکارآمدی والدگری	راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان	-	۰/۲۴	<۰/۰۵

همان گونه که در جدول ۲ ملاحظه می شود، بررسی اثرات غیرمستقیم خودکارآمدی مادری بر رضایت از نقش مادری حاکی از آن است که این متغیر با واسطه‌گری راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان ($\beta = 0/24, p = 0/01$)، اثر غیرمستقیم مثبت و معناداری بر رضایت از نقش مادری دارد. در ادامه به منظور بررسی میزان برازش مدل پژوهش، شاخص‌های برازش محاسبه شد که همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می شود، نتایج بیانگر برازش قابل قبول مدل نهایی پژوهش حاضر است.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌ها	P-Close	RMSEA	AGFI	GFI	IFI	CFI	$\chi^2 / d.f$	χ^2
مقادیر	۰/۴۳	۰/۰۵	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۳	۱/۵۹۱	۵۷۸/۷۱
معیار پذیرش	>۰/۰۵	≤۰/۰۸	≥۰/۹۰	≥۰/۹۰	≥۰/۹۰	≥۰/۹۰	<۳	$\alpha > 0/05$

نتایج این پژوهش، حمایت‌های تجربی برای ارتباط نظری بین خودکارآمدی مادری و رضایت از نقش مادری با واسطه‌ی راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در قالب یک مدل ساختاری فراهم آورده است. در واقع این پژوهش به تبیین علی پاره‌ای از عواملی که می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رضایت از نقش مادری مادران تأثیرگذار باشند، پرداخته است.

نتایج نشان دهنده‌ی این بود که خودکارآمدی مادری اثر مثبت و معنی داری بر رضایت از نقش مادری دارد. این یافته با یافته‌های پیشین همسو است (Faraday & Azmodeh & et al, 2014؛ Ribiczey and et al, 2015؛ Kordi and et al, 2015؛ Masoumi and et al, 2015؛ Club, 2013؛ Ngai & Chan, 2013).

همان‌گونه که بیان شد، خودکارآمدی والدینی به این اشاره دارد که والدین چقدر نسبت به اداره کردن مشکلات کودکانشان اعتماد به نفس دارند. باورهای خودکارآمدی، اثر وسیعی بر فرآیندهای شناختی، هیجانی و انگیزشی دارند (Dimopoulou, 2012). Tranzo (2006) نشان داد که افزایش خودکارآمدی با بهبود کیفیت تعاملات مادر- کودک در ارتباط است. خودکارآمدی والدینی به طور معناداری پیش‌گویی کننده‌ی میزان بالای اشتیاق، سازگاری، پذیرش و اظهار صمیمیت نسبت به کودک است و همچنین با میزان پایین اجتناب و رفتارهای منفی نسبت به کودک همراه می‌باشد (Jones & Prinz, 2015). همچنین سطوح پایین خودکارآمدی والدینی با کاهش رضایت در نقش والدگری همراه بوده است (Guimond & et al, 2010). والدین کارآمد نسبت به نقش والدینی خود دید مثبت‌تری دارند (Kuhn & Carter, 2006)، از شیوه‌های منفی والدگری کمتر استفاده می‌کنند (Houghton & et al, 2012) و در حل مسائل فرزندان‌شان موفق‌تر هستند (Jones & Prinz, 2015). همچنین فرزندان چنین والدینی مشکلات رفتاری کمتری از خود بروز می‌دهند (Cosense and et al, 2013). نتایج پژوهش‌ها بیانگر این است که آموزش‌های مبتنی بر ارتقای خودکارآمدی والدین با رضایت از نقش والدینی و به‌طور کلی رضایت از زندگی والدین مرتبط است.

از سوی دیگر مادر به صورت درونی و ذهنی، به ارزیابی، بررسی و کنکاش پیرامون این مسأله می‌پردازد که در انجام وظایف مادری خود تا چه حد موفق بوده و عملکرد مناسب و مطلوبی داشته است؟ این بررسی با شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد که دیدن و مشاهده‌ی رفتارها و عملکرد فرزندان و همچنین اظهارنظرهای آنان نسبت به جایگاه و نقش مادر در خانه و خانواده، از جمله این اشکال است. این عوامل باعث می‌شود که احساس و نگاهی خوب و مثبت و در کل احساس کارآمدی در مادر پدید آید و این احساس علاوه بر رفتار و عملکرد او، بر احساس رضایت او از نقش والدینی اش نیز تأثیر مثبتی خواهد داشت.

همچنین نتایج بیانگر این بود که خودکارآمدی مادری اثر مثبت و معنی‌داری بر راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان دارد. این یافته نیز با یافته‌های پیشین همخوان است (Mostafavi,

همان‌گونه که بیان شد، خودکارآمدی والدینی به عقیده و نگاه درونی فرد در توانایی و مهارتش برای موفقیت در موقعیت‌ها در نظر گرفته می‌شود (Márk et al, 2015). شیوهی فرزندپروری و انضباطی او، باورهای یک مادر در رابطه با روش‌های والدگری و حساسیت و مسئولیت پذیری او را نیز مشخص و روشن می‌سازد (Miklosi and et al, 2013). زمانی که فرد از خودکارآمدی بالایی برخوردار باشد، در مواجهه با چالش‌های درونی و در تعامل با دنیای بیرون به شیوهی مؤثرتری عمل می‌کند. ارتباط مثبت و معنی دار خودکارآمدی و راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان نیز مبین همین نکته است. در واقع راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان، شامل تکنیک‌ها و فنون شناختی و ذهنی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان نسبت به محیط اطراف و دیگران و اتفاقات و رویدادها، واکنش مناسب هیجانی نشان داد و بر افزایش سازگاری و تطابق بیشتر با محیط زندگی و اطرافیان کمک می‌کند (Garnefski & Spinhoven, 2010). زمانی که مادر از خودکارآمدی بالاتری در تعامل با فرزندش برخوردار باشد، در مواجهه با موقعیت‌های پرچالش و هیجانی از راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان استفاده خواهد کرد (Ribiczey and et al, 2015).

دیگر یافته‌ی این پژوهش این بود که راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان بر رضایت از نقش مادری تأثیر مثبت و معنی داری دارد. این یافته نیز همخوان با یافته‌ی پژوهش‌های گذشته است (Heidari, 2015, Mirmohammadi, 2014). در تبیین این یافته می‌توان گفت که زمانی که مادر در تعامل با فرزندش از راهبردهای سازگاران تنظیم هیجان نظیر پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و کم اهمیت شماری (Garnefski & Spinhoven, 2010) استفاده کند از نقش مادرانه و وظایف مادرانه احساس رضایت بیشتری خواهد داشت. از سوی دیگر مادرانی که راهبردهای ناسازگاران تنظیم هیجانی را به کار می‌برند احساس می‌کنند که در الگوهای منفی ارتباط با فرزندشان قرار دارند. آن‌ها خارج از کنترل بودن را احساس می‌کنند و بنابراین احساس رضایت کمتری از نقش مادرانه خود خواهند داشت.

در نهایت نتایج نشان داد که راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان نقش واسطه‌ای معناداری بین خودکارآمدی مادری و رضایت از نقش مادری دارد. این یافته همخوان با یافته‌ی پژوهش (Ribiczey and et al, 2015) است. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، افراد با خودکارآمدی بالا رضایت بیشتری از عملکرد و وظایف خود دارند. همچنین تنظیم هیجانی مثبت توانایی مقابله با هیجان‌ها را در افراد ایجاد می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا هیجان‌ها را در خود و دیگران تشخیص دهند و بتوانند واکنشی مناسب در موقعیت‌های استرس‌زا و اضطراب‌آور نشان دهند (Gross, 2007). این افراد حالت‌های مثبت و پویایی احساسات بیشتری را بروز می‌دهند، دیدگاه مثبت‌تری به خود دارند و بر جنبه‌های مثبت موقعیت تمرکز دارند. بنابراین، قابل توجه است که گفته شود نظم جویی

شناختی هیجان مثبت با اثری که بر بهبود خودکارآمدی مادرانه می‌گذارد، به رضایت از نقش مادری کمک می‌کند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. این پژوهش بر روی مادران شهر شیراز صورت گرفته و در تعمیم نتایج آن، باید جانب احتیاط در نظر گرفته شود. باتوجه به جدید بودن موضوع پژوهش، متأسفانه پیشینه‌ی پژوهشی زیادی درباره‌ی موضوع پژوهش، وجود نداشت. این پژوهش تنها به بررسی تأثیر دو متغیر خودکارآمدی و تنظیم شناختی هیجان بر رضایت از نقش مادری پرداخت لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی نقش سایر متغیرها نظیر وجود مشکلات رفتاری در کودکان، رضایت زناشویی، جو خانوادگی و ویژگی‌های شخصیتی در میزان رضایت از نقش مادری و خودکارآمدی مادری بپردازند. علاوه بر این نتایج این پژوهش اهمیت خودکارآمدی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان را به خوبی روشن کرد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد تا در قالب کارگاه‌های آموزشی به بهبود و ارتقا این دو مفهوم در مادران کمک کرد.

References

- Azmoude, E., Jaafarnejad, F., and Mazlom, S.(2014). Effect of self-efficacy-based training on maternal sense of competency of primiparous women in the infants care, *Evidence-based Care Journal*, 24, 121, 288-298.
- Bailey, S. (2010). Postnatal care. exploring the views of first-time mothers. *Journal of Community Pract.* 83(12):26-9.
- Coleman, P., & Karraker, K. (2010). Maternal self-efficacy beliefs, competence in parenting and toddler's behaviour and developmental status. *Inf Mental Health Journal* ; 24(2), 126-48.
- Dimopoulou, E. (2012). Self efficacy and collective efficacy beliefs of teachers for children with autism. *Literacy Information and Computer Education Journal*, 3(1): 509-520.
- Eskandari, B., pouretemad, H., habibi asgarabad, M., and mazaheri tehrani, M. A.(2016). Effect of Sensory Processing Style Interventions on Increasing Parental Self-efficacy and Child-parent Relationship in Children with Autism. *Exceptional Education*. 1 (138) :14-21
- Fadaei, Y., (2015). The Relation of the parent's reselincy and self-efficacy with alexithymia, Master's Thesis. Islamic Azad University of Chalous Branch.
- Faramarsi, H.,(2016). A Cognitive Cognitive Emotion A Review of Research, The 9th International Congress on Psychotherapy (Asian Summit on Cultural Values).
- Fosca, G.M. (2010). Beyond the Parent-child Dyad: Testing Family Systems Influences on Children,s Emotion Regulation. Doctoral Dissertation of Philosophy. Marquette University. Milwauke, Wiscansin.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Cognitive emotion regulation questionnaire - development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, 41, 1045-1053.

- Garnefski, N. & Spinhoven, P. (2010). Prospective effects of emotion-regulation skills on emotional adjustment. *Journal of Couns Psychology*; (55): 485-494.
- Gratz, K. L., & Gunderson, J. G. (2006). Preliminary data on an Acceptance-Based emotion regulation group intervention for deliberate Self-Harm among women with Borderline personality disorder. *Behavior Therapy*, 37, 25-35.
- Gross, J. J. (2007). Emotion regulation: Affective, Cognitive and Social consequences. *Psychology*. (39). 2810291.
- Guimond, A. B., Wilcox, M. J., & Lamorey, S. G. (2010). The early intervention parenting self-efficacy scale (EIPSES): Scale construction and initial psychometric evidence. *Journal of Early Intervention*, 30 (4): 295-320.
- Hamedanian, F., Nemat, K., and Khodabakhsh, R. (2011). Maternal Adaptive Approach to Psychology and Religious Literature, *Women's Research Journal*, Vol. 3, No. 2, pp. 163-143.
- Heidari, M. (2015). The role of Cognitive Emotional Regulatory in Anticipating Optimism and Satisfaction in Life in Mothers of Family Guardians, Master's thesis, Faculty of Psychology, Semnan University.
- Houghton, J., D., Wu, J., Godwin, J., L., Neck, C., P., Manz, C., C. (2012). Effective stress management A Model of Emotional Intelligence, Self- Leadership, and Student stress coping. *Journal of Management Education*, 36(2): 220-238.
- Lindenberg, S. (2006). Prosocial behavior, solidarity and goal-framing processes. In D. Fetchenhauer, A. Flache, B. Buunk, & S. Lindenberg (Eds.), *Solidarity and prosocial behavior. An integration of sociological and psychological perspectives.* (pp.23-44) Amsterdam: Kluwer.
- Jones, T. L., & Prinz, R. J. (2005). Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: A review. *Clinical psychology review*, 25, 341-363.
- Kordi, M., Fosongori, M., Asgaripour, N., and Esmaeili, H. (2015). The effect of maternal role training program on competency of maternal postpartum role in primiparous women with unplanned pregnancy, *Evidence-based Care Journal*, 25, 124, 124-134.
- Kuhn, J., & Carter, A. (2006). Maternal self-efficacy and associated parenting cognitions among mothers of children with autism. *American Journal of Orthopsychiatry*, 76(4), 564-75.
- Márk-Ribiczey, N., Miklósi, M., & Szabó, M. (2015). Maternal Self-Efficacy and Role Satisfaction: The Mediating Effect of Cognitive Emotion Regulation. [Journal of Child and Family Studies](#), 25(1), 189-197.
- Masomi, R. (2015). The study of practical training of maternal roles on maternal self-esteem and maternal identity of primiparous women in Ardabil, Master's thesis, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences.
- [Miklósi, M., Szabó, M., Martos, T., Galambosi, E., & Forintos, M.P. \(2013\). Cognitive Emotion Regulation Strategies Moderate the Effect of Parenting Self-Efficacy Beliefs on Parents' Anxiety Following Their Child's Surgery. *Journal of Pediatric Psychology*, 38\(4\), 462-471.](#)
- Mirmohammadi, F. (2014). Preliminary satisfaction of parental role and mother's self-concept by emotional regulation, *Journal of New Findings in Psychology*, 8 (3), 74-65.

- Mostafavi, R.(2014). The Relationship between Parental Self-Efficacy and Cognitive Emotion Regulation, Second National Conference on Psychology and Affiliated Sciences, Islamic Azad University, Torbat-e Jam.
- Ngai, F., & Chan, S. W. (2013). Stress, Maternal Role Competence, and Satisfaction Among Chinese Women in the Perinatal Period. *Res Nurs Health*; 35(1): 30-39.
- Sadat Mohajeri, A., Pouretemad, H.R., Shokri, O., and Koshabi, K.(2013). Effectiveness of parent-child interaction therapy on the parenting self-efficacy of mothers with pediatric acute anesthesia, *Journal of Applied Psychology*, Vol. 6, No. 1(25), 21-38.
- Sarabi Jamab, M., HassanAbadi, H., Mashhadi, A., and Asgharinekah, M.(2011). The effectiveness of parent training on self-efficacy of mothers of children with autism, *Journal of Fundamentals of Mental Health*, Vol. 13, No. 1(49), P. 84-93.
- Saragi, H., Monirpour, N., Ahmadi, M.R., and Hasanabadi, H.R.(2015). The point view of Islam and psychology, the determines of mother components base on religious texts. *Women's and Family Islamic Researches*, 2,4, 13-34.
- Ribiczey, N. M. Miklosi, M. & Szabo, M. (2015). maternal self-efficacy and role satisfaction; the mediating effect of cognitive emotion regulation. *J Child Fam Stud*, 14 (8), 117-128.
- Walter, H. & Chang, L. (2014). The relationship between cognitive emotion regulation with hardiness and self-efficacy in mothers of children with mental retardation. *International Journal of Reality Therapy*, 25 (2), 5-9..
- Weaver, C. M., Shaw, D. S., Dishion, T. J., & Melvin, N. (2008). Parenting self-efficacy and problem behavior in children at high risk for early conduct problems: The mediating role of maternal depression. *Infant Behavior and Development*, 31, 594-605.

